

بسم الله الرحمن الرحيم

## مصالح دولتی؛ اساس روابط بین‌المللی

(ترجمه)

مصالح، اصلی‌ست که جوامع بر اساس آن استوار می‌شود. چنانچه مصلحت همان چیزی است که باعث ایجاد رابطه در میان مردم جامعه می‌گردد. اگر رابطه‌ای که در بین مردم جامعه ایجاد شده همواره بر اساس مصلحت باشد، گروه مردم، از مجموعه‌ای که در میان‌شان روابط وجود دارد، به جامعه‌ای تبدیل می‌گردد که دیدگاه‌شان در مورد مصلحت‌ها از لحاظ منفعت یا نظامی که چگونگی حصول آن را کنترل می‌کند، متحد می‌گردد. مصلحت‌ها در داخل یک جامعه از تأثیر انگیزه‌های برخاسته از حاجات عضوی و غرایز افراد نشأت می‌یابد، چنانچه الله متعال در وجود انسان حاجاتی را آفریده که باید اشباع شود و غرایزی آفریده که باید تنظیم و تأمین گردد. این همان اصلی است که مصلح‌ها به سبب آن به وجود می‌آید و جوامع از آن نشأت می‌گیرد.

جامعه دولتی شبیه جامعه محلی است، از این لحاظ که مصالح دولت‌ها همان چیزی است که منجر به ایجاد روابط در بین دولت‌ها می‌شود، با این تفاوت که مصلحت دولت‌ها به دلیل حاجات و غرایز افراد داخل جامعه به وجود نمی‌آید و روابطی که در بین دولت‌ها ایجاد می‌گردد، بر اساس مصلحت‌هایی است که ماهیت جوامع دولتی، یعنی ماهیت روابط بین دولت‌ها را تعیین می‌کند.

مصالح دولت‌ها عمدتاً از دیدگاهی پیروی می‌کند که دولت‌آن را اتخاذ می‌نماید؛ چنانچه دیدگاه، آن چیزی است که تعیین می‌کند دولت‌ها چگونه منافع خود را تعقیب کنند.

به عنوان مثال: آمریکا سرمایه‌داری و دموکراسی را به عنوان دیدگاه خود در زندگی می‌پذیرد و استعمار را به عنوان راهی برای رسیدن به منافع خود اتخاذ می‌کند. همین مسئله در مورد بریتانیا، فرانسه و دیگر کشورها نیز صدق می‌کند.

چین نیز ترکیبی از سرمایه‌داری و سوسیالیسم را به عنوان دیدگاه خود از زندگی اتخاذ نموده است و روابط تجاری را به عنوان ابزاری برای رسیدن به مصالح خود می‌پذیرد.

دولت اسلامی نیز عقیده اسلامی را به عنوان دیدگاه خود در زندگی اتخاذ می‌کند و دعوت و جهاد را برای رسیدن به مصالح خود، که مبنی بر عقیده اسلامی است، می‌پذیرد.

دیدگاه اتحاد شوروی سابق درباره زندگی، بر اساس ماتریالیسم دیالکتیکی و ماتریالیسم تاریخی بود و برای نشر اندیشه و رسیدن به منافع مبدئی خود از اقدامات سیاسی و جنبش‌های کمونیستی استفاده می‌کرد.

اکثریت نزدیک به کل دولت‌های جهان امروز فقط مصالح مادی را در نظر می‌گیرند که اغلب آن‌ها صرف نظر از شکل و نوع ثروت، بالای کسب یا توسعه آن تمرکز دارند.

بنابراین، تجارت نفت، درآمد ربوی (سودی) از طریق قرضه‌ها و تجارت سلاح از جمله مهم‌ترین مصالح آمریکا است و برای رسیدن به این مصلحت‌ها به صورت مستقیم از قدرت نظامی، ایجاد پیمان‌های نظامی و سلطه و اشغال کشورها استفاده می‌کند و روابط خود را با دولت‌ها بر این اساس تعیین می‌نماید. بنابراین، دولت‌هایی که به آمریکا برای رسیدن به منافعش کمک کنند و برایش مانعی ایجاد ننمایند، دولت دوست و متحد محسوب می‌شوند و دیگر دولت‌ها دشمن هستند. چنانچه جورج بوش جونیور آن را این‌گونه بیان کرد: «شما یا با ما هستید یا علیه ما».

زمانی که مصالح دولت‌ها باهم در تضاد واقع شود، روابط تغییر می‌کند، متحد مخالف می‌شود و ممکن است دوست به دشمن و دشمن به دوست تبدیل گردد.

ما در جنگ اخیر اوکراین مشاهده نمودیم که آمریکا چگونه با تمام نیرو سعی کرد متحدان اروپایی خود را از مهم‌ترین منبع انرژی روسیه (خط لوله گاز نورد استریم) محروم کند تا آنان را تحت سلطه خود نگهدارد! جورج فریدمان مشاور شورای امور خارجه آمریکا درباره آن گفت: «جنگ اوکراین نشان داد که بدترین دشمنان، دوست‌ها هستند.» و بایدن در انتقاد به نظر جمهوری خواهان در خصوص تمویل اوکراین گفت: «این افراد سیاست خارجی ما را نمی‌دانند، این جنگ به اروپا و ناتو تعلق می‌گیرد». پیش از این، مصالح آمریکا با مصالح بریتانیا و فرانسه در خاورمیانه و اروپا در تضاد واقع شد، بنابراین آمریکا چاره‌ای جز این که تحت نام جنگ سرد با اتحاد شوروی متحد شود، نیافت تا بتواند نفوذ بریتانیا و فرانسه را ریشه‌کن نموده و هژمونی خود را بر مستعمرات آنان در خاورمیانه و آفریقا تحمیل نماید؛ با وجود این که می‌دانست اتحاد جماهیر شوروی از لحاظ مبدئی خطرناک‌تر است.

در مبارزه کشورها برای رسیدن به مصالح‌شان قابل ملاحظه است که هر اندازه قدرت نظامی و سیاسی یک کشور بیشتر باشد، توانایی بیشتری دارد که به تنهایی به منافع خود برسد؛ هنگامی که قدرت یک دولت نسبت به دولت‌های قوی‌تر کاهش می‌یابد، سعی می‌کند منافع خود را به منافع دولت قوی‌تر پیوند دهد.

این مسئله در برخی دولت‌های اروپایی و آسیایی مشهود است، چنانچه این دولت‌ها به آمریکا کمک می‌کنند که به منافعش برسد تا آمریکا یکی از منافع‌شان را محقق کند و در صورت اقتضای امر، باکی نیست که مصلحت دولت اول از مصلحت خودش مقدم باشد.

به عنوان مثال: ترکیه مدام برای تحقق مصالح آمریکا کار می‌کند، حتی اگر برای ترکیه هیچ نفعی نداشته باشد! نمونه آن موقف‌های ترکیه در مناقشه آذربایجان و ارمنستان است. بنابراین، ترکیه یک بار اعلان بی‌طرفی کرد و بار دیگر برای بازپس‌گیری منطقه قره‌باغ کوهستانی به شدت از آذربایجان حمایت کرد و روسیه در ازای حفظ برخی از منافع خویش سعی کرد که آمریکا در حفظ سلطه خود بالای نظام سوریه به برخی از مصالحش دست یابد؛ از این رو روسیه با نیروهای نظامی خود به مداخله در سوریه پرداخت.

مصالح دولت‌ها گاهی ممکن است استراتژی طولانی مدت باشد که سعی دارند با ابزار استراتژیک مانند انواع قوای نظامی از جمله سلاح‌های هسته‌ای، به آن برسند. این استراتژی‌ها می‌تواند در اختیار گرفتن منابع نفت، آبراه‌های مهم و تسلط بر فضا باشد. برخی از این منافع اهمیت کمتری دارند و به آن‌ها منافع تاکتیکی اطلاق می‌گردد؛ منافعی که می‌توان آن‌ها را تحت شرایط خاص رها کرد یا بر اساس شرایط آنی تغییر داد.

دولت خلافت نیز مصالح استراتژیک یا تاکتیکی خودش را دارد که باید ارتباط مستحکمی با هدف این دولت عالی داشته باشد که همانا حمل دعوت به سوی بشریت برای نجات دادن مردم از چنگال شرک و تاریکی آن بوده و هیچ‌گاه به مصالح مادی یا شرایط منطقی و بین‌المللی تسلیم نمی‌گردد. دولت خلافت باید همیشه از مصالح دولت‌های بزرگ و ابزار رسیدن به آن، آگاه باشد و باید بداند که این مصالح را چگونه تهدید نماید، کاهش دهد یا مطلقاً ریشه‌کن نماید.

برگرفته از شماره 430 جریده الرایه

نویسنده: دکتور محمد جیلانی

مترجم: طاها خالد